

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

باسمه تعالی



تعهدنامه‌ی اصالت اثر

این جانب آزیتا سعیدی متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی من بوده و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پروژه از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان‌نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلید حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی می‌باشد.

امضاء

پس از شکر و سپاس از خداوند بزرگ و حکیم

از زحمات اساتید ارجمند جناب آقای دکتر سعید واعظ (داور خارجی)، جناب آقای دکتر اسماعیل تاج بخش (مشاور)، جناب آقای دکتر رسول چهرقانی منتظر (راهنما)، جناب آقای دکتر یدالله بهمنی مطلق (داور داخلی) و جناب آقای دکتر علی اکبر افراسیاب پور صمیمانه سپاسگزارم و از خانواده‌ی عزیز و صبورم قدردانی می‌کنم و برای همه‌ی بزرگواران آرزوی سلامتی و سربلندی دارم.



دانشکده‌ی علوم انسانی

بررسی واژگان پزشکی آثار سنایی غزنوی

نگارش

آزینا سعیدی

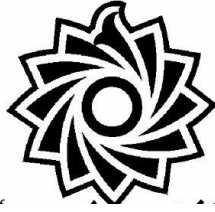
استاد راهنما: دکتر رسول چهرقانی منتظر

استاد مشاور: دکتر اسماعیل تاج بخش

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

دی ماه ۱۳۹۱



Shahid Rajaee Teacher Training University

Faculty of Human Science

**The survey of the medicine terminology in the
works of Sanai of Ghazne**

By: Azita Saeidi

Under Supervision of Dr.Rasoul Chehrehani Montazer

Co-Supervision of Dr.Esmaeil Tajbakhsh

**A thesis submitted to the Graduate Studies Office in partial fulfillment of
the requirements for the degree of M.A. in Persian literature**

January 2013

Abstract

In the past, medical science was one of the branches of wisdom and those who were pursuing to acquire wisdom had no way but to study medical science as well. It was necessary for all knowledge seekers to get familiar with it and poets were also using it in parable, simile, metaphor and allegory sake enrich language buildings. Some times reflection of these knowledge in lyrics is for boasting and demonstrating their academic ability.

This research studies medical terminology in Sanaei's works and tries to answer these questions:

What is the traditional medicine situation in our literature?

How were Sanaei and people who live in his age, thinking about medicine?

What are the benefits of botanical, animal and mineral medicines?

The type of the research is fundamental and its range includes fifth and sixth century AH. The method of the research is logical analyzing of documents library with attributive method and using primary and secondary sources.

In this research we understand the viewpoints of poet about medicine and how he used it to expressing mental concepts and creation of imagery and recognition of organs, diseases and medicines.

The present dissertation entitled "A study of medicine terminology in Sanai's works" includes 8 chapters as follows: Generalities of the plan, The literature of the research, Generalities of medicine, Organs, Diseases, Botanical, animal and mineral medicines, General terms and Conclusion. First the works by Sanai including completed works Divan, Hadiqa al Haqiqa and Shariat al Tariqahh, Sani's couplets -Masnavi- and Makatib were studied. Then, verses and phrases whose nature was medical were recorded. Referring to the medical works of the old, the meaning and concept of those terms were described. The chapters four to seven were ordered alphabetically and the English equivalents were also presented in footnotes. At the end, and after conclusion, the indexes and list of sources were presented. In this research, some of the dissertations of common subjects with this topic were also reviewed and used briefly.

Key Term: Sanai, Wisdom, Medicine Terminology, Single and Compound medicines

چکیده

در گذشته دانش طب از متفرعات علم حکمت به شمار می‌رفت و کسانی که به تحصیل علم حکمت می‌پرداختند از آموختن علم طب گریزی نداشتند، بر همه‌ی طالبان علم لازم بود به صورت کلی با آن آشنایی پیدا کنند و شاعران هم به نحوی از انحا از این علم بهره می‌گرفتند و از آن به گونه‌ی تمثیل، تشبیه، استعاره و کنایه جهت پربرتر کردن کلام استفاده می‌کردند. گاهی انعکاس این معلومات در شعر جهت فخرفروشی و نشان دادن توانایی‌های علمی به دیگران بوده است. این پژوهش به بررسی واژگان پزشکی آثار سنایی غزنوی می‌پردازد و تلاش می‌کند به این پرسشها پاسخ دهد:

طبِ حکمی (پزشکی قدیم) در ادبیات کهن ما چه جایگاهی دارد؟
سنایی و مردم روزگارش در باره‌ی مقولات طبّی چگونه می‌اندیشیدند؟
فواید داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی چیست؟

این تحقیق از نوع بنیادی است و قلمرو تحقیق قرون پنجم و ششم هجری قمری می‌باشد. روش تحقیق، روش تجزیه و تحلیل منطقی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای با روش اسنادی و استفاده از منابع دست اول و دوم است، ابزار گردآوری داده‌ها فیش برداری و مطالعه و بررسی منابع تحقیقی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش تحقیقی می‌باشد.

این پایان نامه شامل هشت فصل است که عبارتند از: کلیات تحقیق، ادبیات تحقیق، کلیات طب، اندامها، بیماریها، داروها (مفرد و مرکب)، اصطلاحات عمومی و نتیجه‌گیری. هدف از پرداختن به چنین موضوعی درک صحیح مفاهیم سروده‌های شاعر می‌باشد. روش کار به این صورت بوده که ابتدا آثار سنایی (دیوان، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، مثنویهای سنایی و مکاتیب) مطالعه شده سپس بیتها و جمله‌هایی که بافت آنها طبّی بوده یادداشت گردیده و با مراجعه به آثار طبّی قدیم و فرهنگ لغات معنی و مفهوم واژگان شرح شده است. فصل چهارم تا هفتم به ترتیب حروف الفبایی مرتّب شده و معادل انگلیسی واژگان در پاورقی آمده است. در پیشینه‌ی تحقیق بعضی از پایان نامه‌ها و کتابهایی را که به نوعی با این موضوع اشتراکی داشته‌اند به طور مختصر بررسی شده است.

در این پژوهش پی می‌بریم شاعر چه نقطه نظرانی در مورد علوم به خصوص علم طب داشته و چگونه از این شاخه‌ی علم برای بیان مفاهیم ذهنی و خلق صور خیال بهره برده است و شناخت نسبی از اندامها، بیماریها و داروها پیدا می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: سنایی، علم حکمت، واژگان پزشکی، مفردات دارویی، داروهای ترکیبی (قربادین)

فهرست

- ۱ فصل اول: کلیات تحقیق..... ۱
- ۵ فصل دوم: ادبیات تحقیق..... ۵
- ۱۷ فصل سوم: کلیات طب..... ۱۷
- ۳۳ فصل چهارم: اندامها و کارکرد آنها..... ۳۳
- ۶۹ فصل پنجم: بیماریها..... ۶۹
- ۱۱۸ فصل ششم: داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی..... ۱۱۸
- ۱۷۲ فصل هفتم: اصطلاحات عمومی..... ۱۷۲
- ۱۹۲ فصل هشتم: نتیجه‌گیری..... ۱۹۲
- ۱۹۴ ۹ نمایه..... ۱۹۴
- ۲۰۱ ۱۰ فهرست منابع و مآخذ..... ۲۰۱

فصل اوّل

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

حکیم سنایی بی تردید یکی از بزرگترین شاعران زبان فارسی است که آثارش منشأ تحولاتی در سبک و سخن گویندگان پس از وی شده است. وسعت اندیشه‌ی این شاعر بزرگ که در تمامی میدانهای معرفت عصر خود همچون فقه، حکمت، طب، نجوم و کلام به درجه‌ی والایی رسیده بود، خوانندگان آثارش را وادار به تلاش برای کسب اطلاعات از دانشهای گوناگون می‌کند.

شاعر برای بیان مفاهیم ذهنی، خلق صور خیال و ابداع مضامین از اصطلاحات علوم مختلف بهره برده است. یکی از مضامین مورد توجه شاعر طب و مسائل مربوط به آن است. در این پایان نامه تاریخ طب در ایران، زندگی نامه‌ی حکیم سنایی، مقام علمی سنایی و پیشینه‌ی تحقیق، کلیات طب (عناصر، طبایع، مزاجها، اخلاط، قوا)، اندامها و کارکرد آنها، بیماریها و علّت آنها، مفردات دارویی و قرابادین (داروهای ترکیبی)، روشهای درمان، وسایل درمان و اصطلاحات عمومی طب بررسی می‌شود.

تحقیق در جنبه‌ی پزشکی آثار سنایی ضمن اینکه پاره‌ای از نکات مبهم و پیچیده‌ی اشعار او را برطرف می‌کند و درک درستی از مفاهیم سروده‌های شاعر به دست می‌دهد، می‌تواند گامی مؤثر برای درک و فهم بهتر سروده‌های شاعرانی باشد که آنها نیز این واژگان را در اشعار خود گنجانده‌اند. همچنین نشان داده می‌شود پزشکی در ادبیات کهن ما چه جایگاهی دارد و میزان آگاهی شاعر از دانش پزشکی چه اندازه است و پیشرفت این علم در زمان او چقدر بوده. آگاهی نسبی از برخی اندامها، بیماریها، خواص برخی داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی و درک بعضی باورهای مردم آن روزگار و ارتباط متقابل پزشکی و ادبیات حاصل می‌شود.

۲-۱ عنوان تحقیق

بررسی واژگان پزشکی آثار سنایی غزنوی

۳-۱ بیان مسأله‌ی تحقیق

در گذشته مجموع دانشهای زمان را حکمت می‌نامیدند و کسی را که به همه‌ی آن علوم احاطه داشت حکیم می‌گفتند. ارتباط علوم با یکدیگر به نحوی بود که معمولاً متخصص هر فن و دانش از سایر علوم زمان خود نیز به قدر کافی آگاهی می‌یافته و با یک جهان بینی کامل در حیطه‌ی تخصص

خود به تعلیم و تعلّم می پرداخته است. در گذشته مجموعه‌ی علوم به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شدند:

۱. حکمت نظری: در سه سطح مختلف به بررسی وجود (با ماده یا بدون ماده) می‌پردازد:

الف. علوم طبیعی: به بررسی وجود با ماده از لحاظ تغییرات می‌پردازد.

ب. علوم ریاضی: جسم را در حالت ثبات بررسی می‌کند.

ج. علوم مابعدالطبیعه: در مورد وجود بدون ماده و مجردات بحث می‌کند.

۲. حکمت عملی: روابط بین موجودات را مورد بحث قرار می‌دهد، شامل:

الف. اخلاق فردی و اجتماعی

ب. تدبیر منزل

ج. تدبیر مدن یا سیاست (رضایی زاده، چوپانی و انوشیروانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۹)

طب علمی است که تغییرات بدن انسان را بررسی می‌کند. این تغییرات می‌تواند در جهت حفظ سلامتی یا ایجاد بیماری باشد. (همان، ۲۰)

تقسیم بندی علم طب:

دانش پزشکی به دو بخش تقسیم می‌شود: طب نظری و طب عملی.

الف. طب نظری: دانشی که چگونگی عملکرد طبیعی و تغییرات بدن انسان و عوامل مؤثر بر آن

را که منجر به سلامتی یا بیماری می‌شوند بررسی می‌کند و شامل سه بخش است:

۱. امور طبیعی

۲. اسباب و علل

۳. دلایل و علائم

ب. طب عملی: شامل علم به روشهایی است که برای حفظ سلامتی (علم حفظ الصحه) یا

بازگرداندن سلامتی (علم معالجات) به کار می‌رود ... و شامل سه بخش است:

۱. تدابیر

۲. دارو درمانی

۳. اعمال دستی (یدی) (همان، ۲۱)

شاعران از جمله حکیم سنایی از اطلاعات طبّی خود در آثارشان استفاده کرده‌اند. هدف اصلی

شاعران حکیم آموزش علم طب به دیگران نبوده است بلکه از آن برای بیان مفاهیم مورد نظر خود

بهره برده‌اند، البته گاهی انعکاس این معلومات در شعر جهت فخر فروشی و نشان دادن توانایی-

های علمی و قدرت کلام به دیگران بوده است.

روش تقسیم بندی در این پایان نامه در فصلهای سوم تا هفتم به گونه‌ای که در آثار طبّی قدیم بوده، نمی‌باشد زیرا جای بسیاری از آنها در آثار حکیم سنایی خالی است.

۴-۱ ضرورت و اهمّیت تحقیق

درک صحیح مفاهیم سروده‌های شاعر و ترغیب صاحب نظران علم پزشکی به مطالعه‌ی آثار ادبی به منظور آگاهی از یافته‌های پزشکی گذشتگان و نیز احیای میراث ارزشمند و گرانبهای فرهنگی کشور و عرضه‌ی آن به جهانیان.

۵-۱ اهداف تحقیق

جایگاه طبّ حکمی (پزشکی قدیم) در آثار سنایی، روشن شدن پاره‌ای از نکات مبهم و پیچیده‌ی آثار شاعر و آشنایی مختصر با مفردات دارویی و داروهای ترکیبی (قربادین).

۶-۱ قلمرو تحقیق

قرون پنجم و ششم هجری قمری.

۷-۱ سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

طبّ حکمی (پزشکی قدیم) در ادبیات کهن ما چه جایگاهی دارد؟
فواید گیاهان دارویی چیست و چه خواصّی از آنها در گذشته شناخته شده بود؟
سنایی و مردم روزگارش در باره‌ی مقولات طبّی چگونه می‌اندیشیدند و چه باورهایی داشتند؟

۸-۱ روش تحقیق

۸-۱-۱ انواع تحقیق و روش بررسی فرضیه‌ها یا پاسخگویی به سؤالات (توصیفی، تجربی، اسنادی، تحلیل محتوا، تاریخی و ...)
روش تجزیه و تحلیل منطقی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای با روش اسنادی و استفاده از منابع دست اول و دوم.

۸-۱-۲ ابزار گردآوری داده‌ها و ذکر ویژگیهای آنها (پرسشنامه، مصاحبه، و ...)
فیش برداری و مطالعه و بررسی کتب و منابع تحقیقی.

۸-۱-۳ روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحقیقی

فصل دوم

ادبیات تحقیق

این فصل شامل: تاریخ طب در ایران، زندگی نامه‌ی حکیم سنایی، مقام علمی شاعر و پیشینه‌ی تحقیق می‌باشد.

۲-۲ تاریخ طب در ایران (قبل از اسلام تا حمله‌ی مغول)

چنین به نظر می‌رسد که قدیمترین یا یکی از قدیمترین تواریخ، تاریخ طب باشد چرا که آدمی از روز اوّل زندگی با درد و رنج همراه بوده و بدیهی است برای رفع درد و آلم که غریزه‌ای طبیعی می‌باشد می‌کوشیده است. پس طب و طبابت در دو کلمه مختصر می‌شود: برداشتن درد از دل و بار از پشت آدمی و طبیب جز این کمال مطلوبی نخواهد داشت. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، ۱۳۷۱، ص. یازده)

بسیار کمند نویسندگان تاریخ پزشکی که در نوشته‌های خود نظریاتی در باره‌ی مبدأ پاره‌ای از بیماریها یا به طور کلی منشأ فنّ طبابت ابراز نکرده باشند. برخی بر آنند که طبابت با آفرینش آدمی همزمان است و برخی در پیروی از بقراط و جالینوس اساس طب را نیمه الهی و نیمه تجربی می‌دانند. اعتقاد این گروه بر آن است که اصول طب از طریق وحی مستقیم الهی بر بشر آشکار شده ولی فنّ طبابت و وسایل درمان از منابع مختلف تحصیل گردیده یعنی در بعضی از موارد اثر وحی مستقیم از خدای توانا و در برخی دیگر نتیجه‌ی رؤیت و مشاهده بوده است. (الگود، ۱۳۷۱، ص. ۱۷)

در ایران، یونان، روم، آشور، کلد، مصر و تمامی جهان متمدن قدیم، مردم از طب اطلاعاتی داشتند و کسانی که طبابت می‌کردند، گاهی به صورت موبدان خدمت می‌کردند. بقراط^۱ ثابت کرد که مرگ و زندگی طبق قوانین منظم جهان رخ می‌دهد و نیز مسائل اجتماعی و وجدانی خاصی برای طبیب معین نمود که گواه آن در «سوگند نامه‌ی بقراط» است. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، ۱۳۷۱، ص. ۸۱)

بقراط توانست طب را از خرافات مجزاً نماید و همچنین ارتباط آن را با معابد یونانی قطع کند. این بزرگترین قدمی در طب است که در دوهزار و پانصد سال قبل انجام گرفته است. از جمله نویسندگان یونانی که آثارشان مربوط به طب بود، علاوه بر بقراط و جالینوس^۲، روفوس افسوسی،

¹ Hippocrates

² Galenos, Kladius

اریباسیوس، بولس‌ال‌جانیطی، اسکندر طرایوس و در رشته‌ی داروشناسی هم دیسکوریدس بودند. (براون، ۱۳۶۴، ص. ۱۷)

جالینوس پزشکی در آسیای صغیر و روم بود. وی تألیفات متعددی در طب و موضوعات دیگر داشت. او مجموعه‌ی آثار پزشکی عهد کهن را به جهان عرضه کرد. اطبای ایرانی از نظرات طبّی او پیروی کردند و در کتب ادبی و اخلاقی نیز اندیشه‌های او را وارد کردند. بقراط بر جالینوس مقدم است و بین آنها ششصد سال فاصله وجود دارد. ده کتابی که بقراط تألیف کرده بود در نوشته‌های جالینوس سربرآورد اما جالینوس نظریات او را منظم کرد و ترتیبی منطقی به آنها داد. با وجود آثار فراوان جالینوس کتب شانزده گانه‌ی او در طب مشهورتر از دیگران است. (معین زاده، طب ایرانی، ادبیات ایرانی و جالینوس، ۱۳۸۴، ص. ۶۳، ۶۵، ۷۱)

علم پزشکی به مانند بسیاری از علوم دیگر در کشور ما از دوران قدیم و دنباله‌ی آن در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان مقامی ارجمند داشته است. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، ۱۳۷۱، ص. ۸۱)

سیریل الگود در کتابش به این نکته اشاره کرده که: «ایران همچنان که از نظر شعر و مینیاتور در تاریخ ادبیات جهان نقش عمده‌ای بر عهده داشته، در تاریخ پزشکی دنیا نیز سهم مهمی ایفا کرده و به گمان من از میان این سه، طبّ ایران بزرگترین سهم را دارا بوده است.» (الگود، ۱۳۷۱، ص. ۱۱)

بزرگترین منبعی که در باره‌ی طبّ دوران هخامنشی و قبل از آن می‌توان از آن استفاده‌ی کامل نمود اوستا - کتاب مقدّس زرتشتیان - و سایر کتب مذهبی آنان است، غیر از آن از کتابهای مورّخین مشرق و مغرب نیز در این باره بسیاری از موضوعات طبّ ایران باستان روشن می‌شود. طبّ ایران علاوه بر طبّ این سرزمین از طبّ کشورهای دیگر نیز مواردی را برگرفته که بر اثر اختلاط و امتزاج آنها با یکدیگر مجموعه‌ی طبّ ایران تشکیل شده است. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، ۱۳۷۱، ص. ۸۱)

قدیمترین دوره‌ی تاریخ پزشکی در کشور ما از دوره‌ی آریایی‌ها در زادگاه اوّلی خود که همان خوارزم امروزی بوده شروع گردیده است. در این دوره بر حسب عقیده‌ی زرتشتیان اوّلین طبیب به نام «تریتا» بوده است. طبّ ایران باستان چه در بهداشت و چه در درمان دارای مقامی ارزنده می‌باشد و تا هفتصد سال قبل از میلاد مسیح (ع) اصولاً از ورود و رخنه‌ی طبّ یونانی و بقراطی به ایران اثری دیده نمی‌شود. باید گفت به سبب امتزاج ایرانیها و فتوحاتی که نصیب پادشاهان هخامنشی گردیده، علاوه بر طبّ مخصوص سرزمین ایران از طبّ سایر اقوام نیز استفاده‌ی کامل به عمل آمده است، منتها پس از ظهور بقراط و اثر دوران درخشان تمدن یونانی و اختلاط ایرانیان با آنان و جنگهای بین ایران و یونان، پای طبّ یونانی به ایران باز شد و آثار زیادی بر روی طبّ ایران باقی گذارد. بعضی

معتقدند که اصول و مبانی پزشکی و تعالیم آن توسط ایرانیان به یونانیان انتقال داده شده است. از پانصد سال قبل از میلاد مسیح (ع) آثار علوم یونانی در ایران هویدا گردید. (همان، ۸۲)

در دوهزار و پانصد سال پیش این علم دارای منزلت خاصی بوده و در کتب مذهبی زرتشت به خصوص از بهداشت بسیار سخن رفته است. در بخشهایی از اوستا به گیاه هوم، اسپند، گندر، عصاره-ی نعنا و بیدمشک اشاره شده که در درمان بیماریها و مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می گرفتند. در وندیداد آمده است که زرتشت از اهورامزدا سؤال کرد که اگر پزشکانی چند باشند که یکی با کارد (چاقوی جراحی)، دیگری با گیاه و سومی با ادعیه و کلمات خدایی پاک، درمان کند برتری با کدام است؟ جواب داده شد: ای زرتشت برتری با طبیب سومی است که او پزشک پزشکان است. منظور از طبیب سوم همان است که امروز به نام پزشکان روانی آنها را می نامیم. از این رو معلوم می شود که عقاید دینی در طب ایران باستان مقامی ارزنده داشته است. غیر از این دسته پزشکان متخصص، طبیبان شعب مختلف پزشکی نیز در ایران باستان بوده اند مانند چشم پزشک (کحّال)، دادپزشک (پزشک قانونی یا طبیب رسمی و اداری) و ستور پزشک (بیطار یا دامپزشک). (همان، ۱۵۶)

اوستا - کتاب مقدس زرتشتیان - از سه طبقه مردم شفابخش و معالج سخن می راند که عبارت باشند از: آنان که با دعا و رسوم دینی، آنان که با پرهیز و دارو و دیگران که با وسایل و لوازم شفا می بخشند. به عبارت دیگر این سه طبقه عبارتند از: موبدان، پزشکان و جراحان. (براون، ۱۳۶۴، ص. ۵۵)

در دوره اشکانیان فتح ایران به دست اسکندر و آمدن عده ای از اطبای یونانی با او به ایران باعث گردید که طب یونانی در ایران بیشتر نفوذ کند. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، ۱۳۷۱، ص. ۳۴۱)

انتقال اصل طب، از دوران هخامنشی به دوران ساسانی بود. طب ایران قبل از اسلام مخلوطی از طب یونان، ایران و هند بوده، منتها طب یونانی بیش از طب هند و ایران در این سرزمین اثر داشته است. در دوران شاپور اول، شاپور دوم و پس از آنها انوشیروان، دانشمندان ساکن یونان به ایران آمدند و بسیاری از آنها بر اثر اختلاف مذهبی که در روم شرقی پیش آمده بود جلای وطن کرده در ایران اقامت نمودند. پادشاهان ساسانی مقدم همه ی آنها را گرامی داشتند. نتیجه ای که این پیشامد برای کشور ایران داشت تأسیس دانشگاه بزرگ جندی شاپور و بیمارستان منضم بدان بود. (براون، ۱۳۶۴، ص. ۱۹)

بنای مدرسه ی جندی شاپور را علمای معاصر در خوزستان با دهکده ای به نام «شاه آباد» تطبیق می کنند. این شهر را شاپور اول - پسر و جانشین اردشیر بابکان - بنا نهاد. در قرون بعد خسرو

انوشیروان، برزویه -پزشک معروف خود- را به هند فرستاد و وی کتاب معروف «کلیله و دمنه» و شطرنج را با بعضی آثار طبّی و تنی چند از پزشکان هندی با خود به ایران آورد. (همان. ۴۸)

حنین بن اسحاق از پُرکارترین مترجمان جندی شاپور بود، از مجموع ده ترجمه‌ای که از آثار بقراط موجود بود، هفت اثر متعلّق به او و سه اثر دیگر از آن عیسی بن یحیی - شاگرد او - است. شانزده کتاب «سته‌ی عشر جالینوس» همه به دست او یا شاگردش - جیش الأعسم - ترجمه شد. حنین از یونانی به سریانی و جیش از سریانی به عربی برمی‌گرداند. گروه دیگری از مترجمان که از یونانی به عربی ترجمه می‌کردند در شهر حرّان پیدا شدند، از این گروه از همه معروفتر ثابت بن قره، پسران وی، نوه‌هایش، نبیره‌اش و خاندان زهرون بودند. (همان. ۶۰)

جندی شاپور در دوران ساسانیان و مدّتی پس از این سلسله تا اواسط خلافت عباسیان نفوذ و اقتدار علمی خود را حفظ نموده و با آنکه به واسطه‌ی نفوذ خلفا، بغداد مرکز کشور اسلامی گردید باز جندی شاپور مقامی بس ارجمند در طب داشت. هر دو دوره‌ی مجد و عظمت ایران قبل از اسلام - سلسله‌ی هخامنشی و ساسانی - با یورش بیگانگان پایان یافت. (همان. ۵۶)

تاریخ طب در ایران پس از اسلام با طبّ اسلامی ممزوج می‌باشد، متنها اطبای ایرانی سهم بسیار بزرگی در طبّ اسلامی دارند و اصولاً نمی‌توان گفت این دو - طبّ ایرانی و طبّ اسلامی - از یکدیگر مجزاً می‌باشند. مکتب طبّی جندی شاپور قبل از اسلام و همچنین پس از ظهور اسلام تا دوران تمرکز علمی بغداد، اقتدار و اهمّیت خود را از دست نداده و عدّه‌ی زیادی طبیب پرورش داده که نمونه‌ی بزرگ آن آل بختیشوع است. (نجم آبادی، تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، ۱۳۵۳، ص. ۱)

علم طب مانند علم نجوم از نخستین فنونی بود که در بین مسلمانان رواج یافت و مورد توجه واقع شد. اهمّیت این علم به حدّی بود که علم ابدان در ردیف علم ادیان شمرده می‌شد. (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص. چهل و پنج)

به نظرات پیغمبر اکرم (ص) از طریق احادیث می‌توان پی برد. نویسندگان متأخر این مطالب را به عنوان «طبّ النّبی» می‌خوانند. (براون، ۱۳۶۴، ص. ۴۵)

دوران زرّین علوم اسلامی در قرن اوّل و دوم هجری قمری به اوج ترقّی خود رسید، اما درجه‌ی فرهنگ و تمدّن را تا روز واقعه‌ی حمله‌ی مغول (قرن هفتم هجری) حفظ کردند. طب و تاریخ مصونیت نسبی خود را مدیون تمایل فاتحان وحشی است که در حفظ سلامت خویش و کسب شهرت بودند. این قرن بلافاصله پس از استقرار خلافت عباسی در بغداد آغاز گشت. (همان. ۳۷)

غلبه‌ی عرب بر عجم و اجباری که نویسندگان در نگارش کتب به زبان علمی آن زمان (عربی) داشتند، باعث گردیده که بعضی از مورّخین تمام تمدّن اسلامی را به حساب عرب بگذارند. آنچه

مسلم است این است که این مطالب علمی را به زبان عربی غالباً ایرانیان، سریانیان، یهود و تا حدود کمتری یونانیان نوشته‌اند و فقط جزء بسیار ناچیزی از آن تألیف اعراب است. علاوه بر ایرانیان و شاگردان مکتب جندی شاپور، نستوریه‌ها و حرّانیه‌ها نیز در طب اسلامی دخالت تام داشته‌اند. نمایندگان بزرگ طب اسلامی بیشتر ایرانی بوده‌اند مانند: رازی، اهوازی، ابن سینا و جرجانی. (همان. ۱۷)

اطبای اسلامی عموماً شاگردان بقراط و جالینوس حکیمند که مطالب کتب طبّی آنها را فرا گرفتند منتها تقلید کورکورانه نکردند و بر عقاید آنان با کمال احترام ایراداتی وارد نمودند. من باب مثال ترجمه‌ی فارسی محمدبن زکریای رازی در کتاب «شکوک بر جالینوس» و کتاب «أغراض مابعدالطبیعه-ی» ابونصر فارابی، همچنین اطبای اسلامی توانستند در دنباله‌ی مکتب بقراط و جالینوس تجارب خود را به منصّه‌ی ظهور برسانند و آثاری از خود به یادگار گذارند که مورد تحسین عالمیان قرار گیرد مانند کتاب «فصول» رازی که از روی «فصول» بقراط اقتباس نمود. پزشکان اسلامی پس از طی دوران ترجمه و فراگرفتن مطالب کتابهای اساتید یونانی شخصاً آثار گرانبهایی به رشته‌ی تحریر درآوردند که تا قرن ده و یازده هجری قمری طبّ اروپا را تحت‌الشعاع خود قرار داد. اطبای اسلامی طبّ پراکنده‌ی یونانی را مرتّب کردند و طب را از صورت نظری بیرون آورده و طبّ عملی و تجربی را ایجاد کردند، علم‌الأمراض را بسط و توسعه داده و اثر داروها را در طب از نظر وظایف الأعضاء وارد کردند. مسلمانان در رشته‌ی شیمی و مواد دارویی بیشتر از دیگر رشته‌ها بر آنچه از یونانیان به آنان به ارث رسیده بود افزودند. (همان. ۲۱)

در قرن ششم هجری قمری پزشکی به نام زین‌الدین اسمعیل جرجانی چند اثر طبّی تألیف کرد که مهمترین آنها «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» است و چند اثر طبّی کوچکتر که بدین قرار است: «اغراض طب» و «یادگار» و «خفی‌علائی». قرن هفتم هجری از جهت تصنیف کتب شرح احوال یا علم‌الرجال قابل توجه است. کتاب «عُیون‌الانباء فی طبقة الاطباء» مؤلف آن ابن ابی اصیبعه‌ی دمشقی، «تاریخ الحکماء» از قفطی، اثر مشابهی هم از کتاب اخیر به قلم شهرزوری، «فرهنگ بزرگ شرح احوال» از ابن خُلکان و «تاریخ عمومی» از ابوالفرج بن عبری. در قرن هشتم هجری قمری یکی از دانشمندان برجسته رشیدالدین فضل‌الله پزشک است که محلّه‌ی «ربع رشیدی» را با کتابخانه‌های بی‌نظیر و بیمارستان آن در تبریز تأسیس کرد. کتاب «کامل‌الصناعة» یا کتاب «المَلِکی» علی‌بن‌العبّاس‌المَجُوزی، «قانون» بوعلی سینا و «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» جرجانی از کتب منظم و اساسی طبّی است که از همه‌ی مباحث طبّی آن زمان یعنی قرون وسطی سخن به میان می‌آورد. دو کتاب «قانون» و «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» از اثر نقص عمومی مبالغه و تفصیل بیش از اندازه معیوب شده‌اند. (همان. ۱۳۶، ۱۴۳)

علما و پزشکان اسلامی و خصوصاً ایرانی سهم مهمی در انتقال علم پزشکی در سراسر دوران تاریک قرون وسطی، یعنی برزخ مابین تنزل و رکود فرهنگ باستان و به وجود آمدن علوم جدید داشتند و بهترین نمونه‌ی علوم و فرهنگ باستان را به جهانیان عرضه کردند. (همان، ۲۹)

۲-۳ زندگی نامه‌ی حکیم سنایی

جز سنایی دگر نگفت کسی
این چنین گوهری نسفت کسی
هست معنیش اندرون حجاب
چون عروس زمشک بسته نقاب

(سنایی، مثنوی های حکیم سنایی به انضمام شرح سیرالعباد الی المعاد، ۱۳۴۸، ص. ۱۳۹)

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی شاعر، حکیم و عارف بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم در سال ۴۶۷ در غزنه متولد شد و در همین شهر در سال ۵۲۹ درگذشت و به خاک سپرده شد. مزارش در شرق افغانستان کنونی زیارتگاه مردم است. دوران کودکی و جوانی او در غزنین گذشت و در همین شهر به تحصیل علوم و معارف زمانه پرداخت و در تمامی میدانهای معرفت عصر به درجه‌ی والایی رسید و این مقام علمی او را، از خلال یک یک آثارش می‌توان به روشنی دریافت. خاندان سنایی از خاندانهای اصیل غزنه بودند و پدرش «آدم» مردی با بهره از معرفت بود و در تعلیم و تربیت فرزندان رجال عصر، صاحب مقام و اعتبار. سنایی از آغاز جوانی از غزنین بیرون شده و در بیشتر شهرهای خراسان به سر برده و از شهر بلخ به زیارت کعبه مشرف شده و در اواخر عمر به غزنین بازگشته است. (شفیعی کدکنی، تازیانه های سلوک، ۱۳۷۲، ص. ۱۴)

جایگاه سنایی در تاریخ شعر فارسی

کمتر شاعری را می‌توان یافت که در چندین زمینه‌ی شعری «سراغاز» و دوران ساز به شمار آید. حدیقه سنایی سراغاز نوعی از شعر است و قصاید او نیز سراغاز نوعی دیگر و غزلهایش متمایز از غزلهای قبل از او. ویژگی دوران سازی در کار سنایی و چند ساحتی بودن شعرش از اهمیت خاصی برخوردار است. (همان، ۹)

سه ساحت وجودی سنایی

سنایی سه شخصیت بسیار متفاوت دارد که عبارتند از:

۱. سنایی مداح و هجاگو (قطب تاریک وجود او)
۲. سنایی واعظ و ناقد اجتماعی (قطب خاکستری وجود او)
۳. سنایی قلندر و عاشق (قطب روشن وجود او)

هیچ گونه تسلسل تاریخی و نظام منطقی در ظهور و زوال این قطبها وجود ندارد و سنایی تا آخر عمر گرفتار این سه حالت بوده است. (همان، ۲۵)

آثار سنایی:

۱. دیوان قصاید، غزلیات، رباعیات و مقطعات که شامل حدود چهارده هزار بیت است.
۲. حدیقة الحقیقة (الهی نامه یا فخری نامه) همان منظومه‌ای که شروع بسیاری بر آن نوشته شده است. تعداد ابیات این منظومه در نسخه‌های مختلف بسیار متفاوت است از حدود پنج هزار بیت تا حدود دوازده هزار بیت.
۳. سیرالعبادِ الی المَعاد منظومه‌ای است رمزی و عرفانی که در آن نوعی سفر به عالم روحانیات به نظمی استوار بیان شده است و شروحنی نیز بر آن نوشته‌اند.
۴. کارنامه‌ی بلخ (مطایبه‌نامه) منظومه‌ی کوتاهی است در حدود پانصد بیت که در آن به گوشه‌هایی از زندگی شخصی خودش و پدرش پرداخته است.
۵. تَحْرِیمَةُ الْقَلَمِ مثنوی بسیار کوتاهی است در حدود صد بیت که خطاب به قلم سروده و بعد وارد مسائل عرفانی می‌شود.
۶. مکاتیب سنایی استاد نظیراحمد از محققان برجسته‌ی هند، مجموعه آثار مثنوی سنایی را که محدود به چند نامه است در یک کتاب گردآوری و بررسی کرده و آن را مکاتیب سنایی خوانده است. (همان، ۱۸)

چند اثر منسوب به سنایی

طَرِيقُ التَّحْقِيقِ، عقل‌نامه، عشق‌نامه، سنایی‌آباد. (همان، ۱۹)

۲-۴ مقام علمی سنایی

هنگام مطالعه در علوم موجود قرون وسطی، نمی‌توان دو خصیصه‌ی مشخص آن دوران را نادیده گرفت. این دو صفت عبارتند از: به هم پیوستگی و ارتباط کامل همه‌ی شعب علم و همچنین قدرت و نفوذ بعضی اعداد در اصول آن. علم و معرفت آن زمانی من حیث المجموع به چیزی نمی‌آمد که یک تن نتواند همه‌ی آن را فراگیرد. به ندرت می‌توان پزشکی در قرون وسطی یافت که توجه خود را به همان معلومات یک رشته‌ی خود منحصر کرده باشد. در قرآن کریم سوره‌ی ۴۱ آیه‌ی ۵۳ فرماید: «سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ ...». «ما به آنان علامات خود را در افقها و در خود آنان می‌نماییم ...». و همین آیه باعث تشویق مسلمانان شد تا روابطی نه تنها میان ستارگان، گیاهان و اجسام نظایر آن بیابند، بلکه بین عوالم مادی و معنوی هم، هم بستگی‌هایی بجویند. آن اثر بزرگ - مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی - را کسی که با آثار طبّی آن عصر آشنایی دارد بهتر در می‌یابد تا دیگران. (براون، ۱۳۶۴، ص. ۳۰، ۱۵۴)